

اولویت بندی عوامل مؤثر بر اشتغالزایی زنان روستایی

(مطالعه موردی: دهستان گلکمان شهرستان چناران)

حمدالله سجاسی قیداری^۱، مهناز اسماعیلی^۲

دانشگاه فردوسی مشهد، گروه جغرافیا

(ssojasi@yahoo.com)

چکیده

عمده زنان در جامعه روستایی علاوه بر خانه داری به اشتغال در امور کشاورزی، باغداری، صنایع دستی و امور مربوط به دام شرکت دارند و هرچه نقش زنان در بخش اشتغال بیشتر باشد، در نتیجه نقش آنها در فعالیتهای اجتماعی نیز پررنگ تر می شود. اگر فعالیتهای زنان را در امور اقتصادی به حساب نیاورده و در تمامی اموری که زنان انجام می دهند از کارگران روزمره استفاده کنیم، هزینه های زندگی بالا خواهد رفت. بنابراین نمی توان نقش پررنگ زنان را اقتصاد خانواده نادیده گرفت. زنان روستایی به دلیل وظایف و نقشهای متعددی که در روستا برعهده دارند، نیروی عمده ای برای ایجاد تحول و منبعی بالقوه برای پیشبرد اقتصاد روستایی و افزایش هرچه بیشتر نرخ رشد تولیدات مواد غذایی اند. این بخش بزرگ از جامعه نقش بسزایی در تولید محصولات کشاورزی، صنایع دستی روستایی و خدمات و نیز در روند توسعه روستایی داشته و دارند. روش تحقیق در این مطالعه، توصیفی - تحلیلی است که با به کارگیری فنون های مطالعه ی کتابخانه ای - اسنادی در ارتباط با موضوع و همچنین مطالعه میدانی به از طریق پرسشنامه ای در منطقه دهستان گلکمان است که در نهایت داده ها از طریق روش وزن دهی "آنتروپی شانون" و مدل "مجموع وزین ساده (SAW)" مورد تحلیل قرار گرفته است. هدف این تحقیق، اولویت بندی عوامل مؤثر بر توسعه شغلی زنان روستایی در دهستان گلکمان شهرستان چناران بوده است. نتایج نهایی حاصله از تجزیه و تحلیل مدل، نشان داد که شاخص های بعد اقتصادی "وضعیت مالی خانوار" و "دسترسی به اعتبارات، با ۰.۱۵ درصد بیشترین تأثیر، و شاخص های بعد اجتماعی "مهارت و تخصص کافی" و "سن زنان" کمترین تأثیر را بر توسعه ی شغلی زنان روستایی در دهستان گلکمان داشته اند.

واژه های کلیدی: اشتغال، زنان، وضعیت مالی خانوار، اعتبارات، دهستان گلکمان.

۱- استادیار جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه فردوسی مشهد

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه فردوسی مشهد Smaily_mahnaz@yahoo.com

نقش اشتغال در پویایی زندگی انسان انکارناپذیر است و می توان آنرا کانون ارتباطات انسانی و اجتماعی تلقی کرد. در جهت این پویایی بی تردید زنان به عنوان نیمی از جمعیت، تأثیر مستقیمی در توسعه جامعه دارند. زیرا هدف هر جامعه ای به حداکثر رساندن رفاه اجتماعی، توزیع عادلانه درآمد، بهبود سطح امکانات آموزشی، بهداشتی، رفاهی و میزان مشارکت اجتماعی، اقتصادی، سیاسی مردان و زنان می باشد. در جامعه ای که مشارکت زنان در زمینه اشتغال و فعالیتهای دیگر بیشتر باشد رفاه اجتماعی نیز بیشتر خواهد شد. زیرا مشارکت زنان در بازار کار موجب کاهش نرخ باروری، افزایش سطح تولید، افزایش درآمد سرانه و در نتیجه سبب افزایش رفاه اجتماعی در کل جامعه می شود (آگهی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۸۲). زنان بویژه در مناطق روستایی نقش مهمی در تولید روستایی بر عهده دارند. زنان روستایی به دلیل وظایف و نقش های متعددی که در روستا بر عهده دارند، نیروی عمده ای برای ایجاد تحول و منبعی بالقوه برای پیشبرد اقتصاد روستایی و افزایش هرچه بیشتر نرخ رشد تولیدات مواد غذایی اند. این امر سبب شده است در سیاست های نوین ملی، منطقه ای و روستایی از فعالیت های آنان حمایت و پشتیبانی به عمل آید. این بخش بزرگ از جامعه نقش بسزایی در تولید محصولات کشاورزی، صنایع دستی روستایی و خدمات و نیز در روند توسعه روستایی داشته و دارند. از این رو شناخت نقش آنان در اقتصاد ملی و روستا می تواند سیاستگذاران را در برنامه ریزی توسعه ای برای این قشر از جمعیت کشور راهنمایی نماید. از سوی دیگر میزان اشتغال و مشارکت زنان روستایی در بازار کار مانند هر متغیر اقتصادی و اجتماعی به طور مستقیم و یا غیرمستقیم تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار می گیرد که از آن جمله می توان به میزان تولید، سرمایه گذاری، سطح دستمزدها، سطح قیمت ها، سیاست های دولت و تجارت خارجی اشاره نمود که هر عامل ممکن است تأثیرات منفی یا مثبتی را به دنبال داشته باشد. شناخت این عوامل و چگونگی تأثیر آن ها بر میزان اشتغال می تواند برنامه ریزان و سیاستگذاران را در جهت تدوین سیاستی منسجم و کارا که همه عوامل مؤثر بر اشتغال را مد نظر قرار داده باشد یاری رسانده تا بدین وسیله اثر بخشی سیاست را افزایش دهند (پاسبان، ۱۳۹۰: ۲۰۱). زنان به عنوان نیمی از جمعیت هر کشور نقش تعیین کننده ای در کارهای تولید و مشاغل اجتماعی دارند. اما این جمعیت انبوه با داشتن قابلیت های فراوان هنوز هم جایگاه خود را در بیشتر کشورهای جهان بویژه در کشورهای درحال توسعه به عنوان شهروندان فعال و برخوردار از استعداد مشارکت در عرصه های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و فرهنگی به دست نیاورده اند و کماکان فعالیتهای زنان در محاسبات اقتصادی مدنظر قرار نمی گیرد و از آنان به عنوان نیروی کار نامرئی یاد می شود. جمعیت زنان شاغل در ایران در دوره ی زمانی ۱۳۸۵ - ۱۳۷۵ بامتوسط رشد سالانه معادل ۹ درصد درحال افزایش است. درحالی که اشتغال زنان از ۱۴/۱ درصد به ۱۵/۱ درصد افزایش یافته، این رقم در مقایسه با کشورهای درحال توسعه همچنان بسیار پایین می باشد (آگهی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۸۲ و ۱۸۳). با توجه به اینکه نیمی از جمعیت جهان، زنان هستند، برای دست یابی به توسعه ضروری است تا زنان مانند مردان در فرایند توسعه مشارکت کرده و به طور کامل از نتایج آن بهره جویند، ولی متأسفانه از بسیاری جهات در فرایند توسعه زنان مورد غفلت قرار گرفته اند و به آن ها توجهی درخور نشده است. این واقعیت بر هیچ کس پوشیده نیست که بدون در نظر گرفتن زنان، دست یابی به توسعه واقعی میسر نخواهد شد. لذا بایستی به این نقش با اهمیت در توسعه، توجه شود و مشکلات زنان هم به خاطر بهبود وضعیت آن ها و هم به منظور افزایش در تولید، حل گردد، از آنجایی زنان روستایی بخش اساسی از نیروی انسانی می باشند که در توسعه روستایی نقش مهمی را به خود اختصاص داده اند (منصور آبادی و کرمی، ۱۳۸۵: ۱۰۷ و ۱۰۸). مطالعه حاضر درصدد شناخت و اولویت بندی عوامل مؤثر بر توسعه شغلی زنان روستایی بویژه در دهستان گلکان می باشد. زیرا زنان در دهستان گلکان علاوه

اولین همایش ملی زن و توسعه پایدار روستایی

برامور اقتصادی، کشاورزی، دارمداری، زراعت، باغداری، صنایع دستی و... نقش به سزایی در اموراجتماعی دارند. در نتیجه توجه به مشکلات زنان در زمینه اشتغال آنان زمینه را برای رشد اقتصادی و اجتماعی جامعه روستایی فراهم می کند و در نتیجه توجه به اشتغال زنان در این منطقه حائز اهمیت می باشد. براین اساس سوال تحقیق عبارت است از اینکه کدامیک از عوامل در توسعه شغلی زنان روستایی دهستان گلمکان بیش ترین تأثیر را دارد؟

۲- پیشینه تحقیق

مطالعات انجام شده عموماً در رابطه با برخی از متغیرها همچون سواد، درآمد، ثروت، منزلت و غیره و یا عوامل دیگری است که توسعه شغلی زنان را تحت تأثیر قرار می دهد یا برخی نیز پیامد های اشتغال زنان در داخل و یا در خارج از خانه را مورد مطالعه قرار داده اند. در اینجا به برخی از مطالعات و نقطه نظرهای ارائه شده در مورد اشتغال زنان خواهیم پرداخت (جدول ۱).

جدول ۱: پیشینه تحقیق

نویسنده	سال	عنوان	نتیجه
آگهی، میرک زاده، تقی بیگی	۱۳۹۱	اولویت بندی عوامل مؤثر بر توسعه مشاغل خانگی زنان روستایی	نتایج نشان می دهند که مهم ترین متغیر هایی که باعث توسعه مشاغل خانگی می شود از دید زنان: داشتن مهارت، تخصص و تجربه، انگیزه ی کسب استقلال بیش تر، معرفی و دیدار با الگوها و افراد موفق است، اما مهم ترین این متغیرها از دید کارشناسان: برگزاری کلاس های آموزشی، برطرف نمودن نیاز مالی زنان، ایجاد بازار محلی برای فروش محصولات است. هم چنین، نتایج نشان می دهد: بین سطح تحصیلات و عضویت در تشکل ها با ایجاد و توسعه شغل خانگی توسط زنان رابطه معناداری وجود دارد.
خواجه نوری	۱۳۸۴	بررسی عوامل مؤثر بر میزان اشتغال زنان جوان (۱۵ - ۴۰)	این مقاله بر روی میزان اشتغال زنان ۱۵ - ۴۰ ساله در استان های جنوبی کشور انجام شده، نتیجه گرفته شده است که میزان اشتغال در بخش صنعت، نسبت دانشجویان دختر به پسر، میزان اشتغال در بخش کشاورزی و نسبت کودکان ۰ - ۱ ساله به کل جمعیت بر روی هم نزدیک به ۷۶ درصد تغییرات میزان اشتغال زنان را تبیین می کند.
هادیان و حیدرپور	۱۳۷۸	توسعه اقتصادی و سهم زنان در نیروی کار	نتایج به دست آمده نشان دهنده ی آن است که در مراحل اولیه توسعه سهم زنان در نیروی کار اندک و با افزایش درجه ی توسعه یافتگی این سهم افزایش می یابد، به بیان دیگر، یک رابطه ی U شکل بین توسعه اقتصادی و سهم زنان در نیروی کارشاغل در اقتصاد ایران وجود دارد. علاوه بر این فرهنگ اسلامی، تحصیل زنان، تورم و اندازه ی دولت نیز نقش مؤثری دارند.
بامداد	۱۳۷۶	بررسی عوامل مؤثر بر میزان های اشتغال زنان در ۲۵۲ شهرستان کشور - سال ۱۳۷۵	بامداد براین باور است که در ایران وضعیت اشتغال زنان دو ویژگی مهم دارد. در مقایسه با سایر کشورهای در حال توسعه زنان فرصت های شغلی کم تری دارند و اغلب در بخش غیر رسمی بدون هیچ گونه دستمزدی به کار مشغولند و دیگر اینکه نقش زنان ایرانی در بازار کار سنتی بویژه در مناطق روستایی و فعالیت های بخش کشاورزی و صنایع دستی در ارقام و جداول آماری سرشماری ها و دیگر طرح های آماری، به درستی اندازه گیری نشده است.
کشاورز	۱۳۷۶	حریم حساس اشتغال زنان	به بررسی منافع و موانع اشتغال زنان پرداخته و نتیجه می گیرد که در فرهنگ مسلط مرد سالار، تأکید بسیار بر نقش مادری موجب رانده شدن زنان به خانه ها می شود. به

اولین همایش ملی زن و توسعه پایدار روستایی

نظری تسلط فرهنگ مرد سالاری موانع بزرگی در راه اشتغال زنان بوجود آورده است.			
در مطالعه‌ی خود به بررسی مشارکت اجتماعی زنان پرداخته‌اند. یافته‌های پژوهش نشان دهنده‌ی آن بوده است که تنگناهای ساختاری و خانوادگی از بارزترین موانع مشارکت اجتماعی زنان بوده است.	مشارکت اجتماعی زنان	۱۳۸۱	شادی طلب و کمالی
در مطالعه‌ی خود بر اساس سرشماری نفوس و مسکن در ایران سال‌های ۱۳۵۵، و ۱۳۶۵ بر این باور است که رشد باسوادی در زنان همراه با رشد اشتغال آن‌ها نبوده است. بلکه در این ده سال از میزان فعالیت اقتصادی زنان کاسته شده است.	آموزش و فعالیت شغلی زنان در ایران، پیشرفت یا عقب نشینی	۱۳۷۲	شهلا کاظمی پور
در بررسی خود موانع مشارکت اجتماعی زنان را در سه سطح فردی، خانوادگی و جامعه مورد بررسی قرار داده و می‌نویسد که موانع فردی عبارتند از سطح سواد زن و نگرش به زن، موانع خانوادگی عبارتند از تربیت سنتی، شمار فرزند در خانواده، وضعیت اقتصادی خانواده و سطح درآمد، موانع جامعه عبارتند از: کارکرد های حمایتی، آموزش از راه وسایل ارتباط جمعی، تبعیض موجود در جامعه، ایفای نقش جامعه در نهادینه کردن اوقات فراغت کودکان، نوجوانان و جوانان، چگونگی وضع قوانین، نوع جامعه.	بررسی عوامل مؤثر بر میزان مشارکت اجتماعی زنان	۱۳۷۹	تولایی
معتقد است که کمبود کار برای زنان در جامعه بیشتر علل فرهنگی و اجتماعی دارد. به نظر وی نبود قوانین روشن در دفاع از زن، کمبود شغل، ناپایداری ازدواج، فقدان سیستم تأمین اجتماعی و بالاخره کم سوادی و بی سوادی از عواملی است که باعث تقویت روحیه محافظه کاری و پذیرش جایگاه محدود زن ایرانی و تداوم آن شده است.	زنان، اشتغال یا خانه داری کدامیک	۱۳۷۷	غفاری
در مقاله‌ای تحت عنوان توسعه روستایی و چالش‌های اشتغال زنان، به بررسی عوامل مؤثر بر نادیده گرفتن اشتغال زنان پرداخت. جهت سنجش اثرات توسعه روستایی بر اشتغال زنان، متغیرهای اقتصادی، جغرافیایی و فرهنگی مورد سنجش قرار گرفت. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که از بین عوامل تأثیر گذار بر اشتغال زنان، عامل درآمد خانوار، طبقه اجتماعی، سواد و انزوای جغرافیایی بیشترین اثر را بر جای گذارده است. به عبارتی از سهم و نقش اشتغال زنان کاسته است.	توسعه روستایی و چالش‌های اشتغال زنان	۱۳۸۵	دادورخوانی
در مطالعه‌ی خود به مطالعه اشتغال زنان در شش کشور شرق و شمال اروپا به این نتیجه رسیده‌اند که مادربودن و حضور فرزندان اثر مهمی بر اشتغال زنان در کشور های مورد مطالعه داشته است.	Comparative Research on Women's Employment	۲۰۰۲	lipped & dijk
کار، در مطالعه‌ی خود نشان داده است که زنان اغلب در بخش‌های فرعی اقتصادی همچون پوشاک و پردازش غذا درگیر هستند.	Introductory paper for the Africa regional workshop on informal workers/producers in food and forest global commodity chains".	۲۰۰۲	Carr
مانگ در ۱۹۸۵ میلادی در مطالعه‌ای که بر پایه سرشماری داده‌های نیروی کار ۱۹۷۳ - ۱۹۸۳ در میانمار انجام داده، بر این باور است که با بالا رفتن سطح سواد، سست شدن هنجارهای سنتی و تشویق زنان، میزان مشارکت آنان افزایش می‌یابد.	Female Labor participation in Myanmar	۱۹۹۵	maung
اور و دیگران در مطالعه‌ی خود نتیجه گرفته‌اند که درآمد شوهر، تحصیل زن، سن در هنگام ازدواج، اندازه‌ی خانوار در مراحل متفاوت زمانی و اشتغال زود رس زنان بر اندازه‌ی اشتغال زن در فاصله‌های زمانی بعدی اثر می‌گذارد. این پژوهش بیان می‌کند	AN Analysis of Relationship Between Husband's Income, Family Size	۱۹۷۹	Ewer, crimmins & Richard,

اولین همایش ملی زن و توسعه پایدار روستایی

کند که تغییر در درآمد شوهر ارتباط منفی پایداری با احتمال اینکه زن مشغول به کار شود، دارد.	and Wife's Employment in the Early Stages of Marriage		
---	--	--	--

طبق گزارش توسعه انسانی در سال ۱۹۹۵، در کشورهای جهان سوم بخش عظیمی از فعالیت ها در چارچوب خانواده و توسط زنان انجام می شود و این بخش غیررسمی حجم وسیعی از نیروهای کاری را در اختیار دارد. چیاپه (۱۹۹۴) طی مطالعه خود در مینه سوتا بیان می کند که زنان روستایی فعالانه در کارهای کشاورزی دخالت دارند. زنان مزرعه نقش مهمی را در زندگی خانوادگی و اجتماعی - اقتصادی جامعه دارا می باشند. بنابراین توسعه ملی بدون پیشرفت این بخش پر اهمیت جامعه، امکان پذیر نیست. زنان روستایی بسیاری از نقش های اجتماعی و اقتصادی داخل خانه را به خوبی نقش های اجتماعی و اقتصادی خارج از خانه، ایفا می کنند. اما متأسفانه سهم آن ها مشخص نشده است. آنان از برنامه های توسعه روستایی محروم مانده اند و تنها امور مربوط به مراقبت از بچه ها، تغذیه و غیره به ایشان نسبت داده شده است. این مسأله باعث گریه تا طراحان و برنامه ریزان از پتانسیل خاص زنان روستایی غفلت نمایند. تمام محققانی که در مورد زنان و توسعه، مطالبی را درج کرده اند، یادآور شده اند که پروژه های روستایی که از جهت تأثیرگذاری و تولید محصولات کشاورزی ناموفق مانده اند، به این علت بوده است که از نقش های اساسی که زنان در برنامه ها ایفا می کنند، غفلت کرده اند (منصورآبادی و کرمی، ۱۳۸۵: ۱۰۷ و ۱۰۸).

۳- چارچوب نظری

واژه ی اشتغال در زبان فارسی به معنای «به کاری پرداختن، مشغول شدن، به کاری در شدن، به کاری سرگرم شدن»، «پرداختن به کاری، سرگرم شدن، سرگرمی و گرفتاری است». در اصطلاح عبارت است از: « کار می تواند به عنوان انجام وظایفی تعریف شود که متضمن صرف کوشش های فکری و جسمی بوده و هدفشان تولید کالا ها و خدماتی است که نیازهای انسانی را برآورده می سازد. شغل یا پیشه کاری است که در مقابل مزد یا حقوق منظمی انجام می شود. کار در همه فرهنگ ها اساس نظام اقتصادی یا اقتصاد است که شامل نهاد هایی است که با تولید و توزیع کالا ها و خدمات سر و کار دارند (آذربایجانی، ۱۳۸۸: ۴ و ۵). با توجه به اهمیت نهاد خانوار و نقش سرپرست در تأمین نیازهای اصلی اعضای آن از یک سو و از سوی دیگر نقش انکار ناپذیر زن در رشد و شکوفایی جوامع سهم زنان در محاسبات ملی کمتر به چشم می آید. این در صورتی است که با افزایش سطوح دستمزدها و یا افزایش درآمد خانوار از طریق اشتغال به کارهای غیر زراعی که برای اکثر زنان متأهل سبب بالا رفتن درآمد شوهرانشان و بالطبع ارتقاء استاندارد زندگیشان می گردد، زنان زیادی درصد کاهش کارهای خانگی غیر مزدی شان بر می آیند. در شرایط وجود فرصت های اشتغال، این عده ضمن استفاده از شیوه های غیر کاربر و خرید خدمات سعی در آزاد کردن وقت خود از امور خانه و ورود به بازار نیروی کار مزدی دارند و در فقدان فرصت های کافی اشتغال این گروه به اتلاف وقت آزاد شده خویش می پردازند. برای مثال منسوخ شدن سنت تهیه پوشاک خانوار و تهیه سایر ملزومات از جمله حصیر، سبد و ... و رواج انواع تجاری آن شاهی بر این مدعاست (دادور خانی، ۱۳۸۵: ۱۷۸ و ۱۷۹). شرمین وود در کتاب دیدگاه های نوین جامعه شناسی بیان می کند که «مهمترین پایگاه زن در هر مکانی، میزان مشارکت او در زندگی اقتصادی و کنترل او بر دارایی و محصولاتی است که تولید می کند». بر این اساس، شناخت حجم این مشارکت و تحولات آن در ادوار مختلف تاریخ به شناخت پایگاه زن در جامعه کمک وافری می نماید. برای روشن تر شدن اهمیت

فعالیت زنان در خانه، می توان جایگاه زنان را از طریق سهم آنان در کل ارزش افزوده ی جامعه مورد بررسی قرار داد. برای این منظور، سهم زنان در تولیدات کشور به دو طریق مورد بررسی قرار می گیرد:

۱ - فعالیت هایی که در ارزش افزوده ی جامعه محاسبه می گردند؛ با توجه به اینکه دستمزد زنان در بخش دولتی با دستمزد مردان تقریباً برابر است، اما به طور کلی دستمزد زنان در سطح کلان اقتصادی در مقایسه با مردان به مراتب پایین تر است. لذا، سهم زنان در محاسبه ی ارزش افزوده کمتر خواهد بود. این امر در کشورهای در حال توسعه از اهمیت بیشتری برخوردار است. به عبارتی می توان بیان داشت که پایین بودن سهم زنان در تولید ناخالص داخلی (GDP) به دو دلیل عمده می تواند رخ دهد: اول کم بودن سهم اشتغال زنان در کل شاغلین رسمی کشور و دوم پایین بودن دستمزد زنان.

۲ - فعالیت هایی که در ارزش افزوده جامعه محاسبه نمی گردند و خود شامل دو بخش است؛ الف) تولیدات کالا ها و خدماتی که در خانوار تولید شده و مورد مصرف خانوهای دیگر قرار می گیرند ولی معمولاً به دلیل اینکه از بازار های رسمی عبور نمی کنند، کمتر در تولید ناخالص داخلی (GDP) و حساب های ملی انعکاس پیدا می کنند. به عنوان مثال مربا، شیرینی، ترشی و ... که خانم ها تولید نموده و به طرقی به فروش می رسانند، از این نوع هستند. این فعالیت ها حجم بزرگی را در بر دارند که می توانند در صورت محاسبه، سهم عمده ای را در ارزش افزوده به خود اختصاص دهند. ب) خدمات و تولیدات خانگی که توسط خانوار تولید شده و در همان خانوار مصرف می شود ولی در محاسبات ملی منظور نمی گردد. در این راستا می توان به فعالیت های خانه داری زنان نظیر تربیت کودکان، مراقبت از بیمار و ... که در حساب های ملی در نظر گرفته نمی شوند اشاره کرد. به علاوه، زنان شاغل که در بیرون از خانه اشتغال دارند دارای دو شغل هستند و کار منزل نیز به عنوان جزء لاینفک از وظایف زن، همواره به عهده ی او می باشد بدون اینکه در GDP منظور شود. این عوامل سهم زیادی در جهت پایین تر نشان دادن سهم مشارکت زنان در کشورهای در حال توسعه دارند (کاوند و دیگران، ۱۳۹۰ : ۱۹۲ و ۱۹۳).

فعالیت های روزمره زنان روستایی در امور مختلف، تماماً شواهدی دال بر الزامی بودن وجود زنان در عرصه تولیدات روستایی است. متأسفانه شناخت این واقعیت که مشارکت زنان امری الزامی و اجتناب ناپذیر است، همیشه منجر به این نمی شود که به آنان به عنوان بهره برداران از پروژه توجه شود. به طوری که دسترسی آنان به منابع، مواردی همچون زمین، اعتبارات، تکنولوژی مناسب و آموزش، همواره به گونه ای بوده که مانع شده است بتوانند از تمامی توان خود به نحو احسن بهره برداری کنند. با این حال، از اوایل دهه ی هفتاد به بعد، نقش زنان در توسعه کشاورزی به گونه ای مشهود و مورد توجه بوده است که در حال حاضر برای سازمان ها و برنامه ریزان امور توسعه، یک اولویت انکارناپذیر محسوب می شود. زنان، نیروی عمده برای ایجاد تحول و منبعی بالقوه برای پیشبرد اقتصاد روستایی و افزایش هر چه بیشتر نرخ رشد تولیدات مواد غذایی و نیز صنایع دستی هستند (صدقیان، ۱۳۸۹ : ۵۰).

۳-۱- دیدگاه ها و رویکرد ها

رویکردهای نظری متفاوتی در باب اشتغال زنان از سوی نظریه پردازان و اندیشمندان ارائه شده است که نخستین گروه به نظریات اقتصادی مشارکت و اشتغال زنان می پردازد و گروه دوم نیز به نظریات جامعه شناختی حوزه مشارکت و اشتغال زنان مربوط می شود.

نظریه ی یادگیری اجتماعی: هیسریچ و براش در مطالعه ای عملکرد زنان را در ۵ جنبه تئوریک مد نظر قرار داده اند. یکی از تئوری ها، تئوری یادگیری اجتماعی است. بر اساس این تئوری یادگیری از راه مشاهده رفتار دیگران (خانواده و دوستان) به

عنوان الگوهای نقش برای تشویق افراد و زنان مؤثر است. هم چنین، تأثیر زمینه های خانوادگی و نقش پدر و مادر بر روی خود اشتغالی زن به طور اخص مهم است. همین طور وجود یک والد که در این زمینه ها کار کرده باشد به عنوان الگوی نقش و یادگیری و آموزش از این راه نقش مهمی در انتخاب شغل و موفقیت زنان دارد (آگهی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۸۳).

نظریات اقتصادی اشتغال زنان: دیدگاه تجزیه ی بازار کار: از عمده ترین نظریه های مرتبط با این دیدگاه نظریه ی بازار کار دوگانه است، به باور دسته ای از نظریه پردازان ما باید بین دو گروه از مشاغل تفاوت قائل شویم: گروه نخست مشاغلی هستند که از ویژگی داشتن دستمزد های بالا، امنیت شغلی، فرصت پیشرفت و ترقی در آینده، مرخصی های سالانه مرتب برخوردارند. گروه دوم مشاغلی هستند که دارای دستمزد های پایین، امنیت شغلی کم تر، امکان پیشرفت محدود و مانند آن می باشند. بر پایه این نظریه نمی توان در بازار کار با وضعیتی یک دست روبه رو بود. به بیان دیگر، یک بازار تجزیه شده کار وجود دارد. در نتیجه، برخورد با شاغلین، تحت تأثیر خصوصیات پایداری شغلی آن هاست. می توان به جای اینکه تفاوت های جنسیتی را ناشی از ویژگی های ذاتی زنان دانست حداقل قسمتی از آن را با نوع مشاغل نسبت داد. یکی از مهم ترین انتقادات وارده بر این دیدگاه این است که این نظریه شیوه جداسازی نیروی کار را بر مبنای جنسیت در داخل بخش های اولیه و ثانویه روشن نمی کند. این نظریه به این پرسش که چرا جنسیت در چنین ابعاد مهم و پایدار عامل تقسیم بندی بازار کار شده است توضیح نمی دهد (آگهی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۸۳ و ۱۸۴).

نظریه های نئوکلاسیک: در نظریه های نئوکلاسیک، برای تشریح تفاوت های جنسیتی و دلایل محدودیت فرصت های اشتغال و درآمد حاصل از کار زنان، بر متغیرهایی نظیر مسئولیت های خانوادگی، نیروی جسمانی، آموزش عمومی، آموزش فنی، ساعات کار، غیبت از کار و جابه جایی در کار، که در میزان بهره وری و عرضه ی کار تأثیر می گذارند، تأکید می شود. یکی از فرض های اساسی اقتصاد دانان کلاسیک این است که در شرایط رقابتی، به کارگران مزدی معادل ارزش نهایی محصول پرداخت می شود. بر مبنای این فرض، چنین گفته می شود که تفاوت درآمد مردان و زنان یا به دلیل بهره وری پایین تر زنان یا ناشی از نارسایی های بازار است. فرض نئوکلاسیکی دیگر اقتصاد دان های جدید خانواده این است که خانواده ها منابع (وقت و پول) خود را به روش عقلایی بین افراد خانواده تقسیم می کنند و این امر سبب می شود که زنان در سنین پایین سرمایه های مادی و انسانی کم تری دریافت کنند و هنگامی که سن آن ها بیشتر می شود، برای نگهداری از کودکان در خانه بمانند. بنا بر نظریه ی نئوکلاسیک، درآمد زن ها به این علت کمتر از مرد هاست که زنان از سرمایه انسانی کمتری، که عمدتاً آموزش و پرورش است، بهره مند می شوند و به همین دلیل بهره وری کار پایین تری هم دارند. برای مثال، گفته می شود به دلیل اینکه بعضی از زنان برای ازدواج، حاملگی و پرورش کودک شغل خود را ترک می کنند، کارفرمایان تمایل چندانی برای سرمایه گذاری در امر افزایش مهارت زنان ندارند. هم چنین انگیزه ی پدر و مادرها و خود زنان هم برای سرمایه گذاری در امر آموزش و پرورش حرفه ای کمتر است. وجود دوره هایی که زنان از کار کناره گیری می کنند و از بازار کار بیرون می روند به این معناست که تجربه شغلی کمتری نسبت به مردان به دست می آورند و شدت فرسایش مهارت های آنان بیشتر است. از دیدگاه کسانی که بر سرمایه ی انسانی تأکید می کنند، تبعیض در مواردی است که کارفرمایان به افرادی که ذخایر انسانی یکسانی دارند مزد های متفاوتی بپردازند (نوروزی، ۱۳۸۳: ۱۶۷).

نظریه های جنسیتی: در نظریه های جنسیتی فرض اصلی این است که موقعیت زنان در بازار کار و در خانه و خانواده به یک دیگر هم بسته و جزئی از یک نظام کلی اجتماعی است که در آن زنان دنباله روی مردان اند. تأکید این نظریه ها بر این است که گرایش مشاغل زنانه، انعکاسی از نقش خانگی آن هاست و همان گونه که در بیشتر جوامع، کار خانگی کم ارزش انگاشته

می شود، این مشاغل و مهارت ها نیز در بازار کار کم ارزش به حساب می آیند، افزون بر این، گرایش نظام های ارزیابی شغلی در تعیین ارزش کار بر این است که به ویژگی های مردانه، مانند نیروی جسمانی، بیش از مهارت و شکیبایی اهمیت داده می شود. وجود خصوصیات نظیر دستور پذیری بیشتر، شکایت کم تر از کار، علاقه ی بیشتر به کارهای تکراری، و نیاز کم تر به درآمد (زنان معمولاً دومین نان آور خانواده محسوب می شوند) در زنان، منجر به اختصاص کارهایی با درآمد کم تر، مهارت پایین تر، و نیز تأمین اجتماعی و پیشرفت کمتر به آنان می شود (ابونوری و غلامی، ۱۳۸۸: ۳۳ و ۳۴).

۳-۲- عوامل مؤثر بر اشتغال زنان

اشتغال زنان از نظر جامعه شناسی خانواده، معلول علل گوناگونی است. مطالعات انجام شده در کشورهای صنعتی از تنوع علل حکایت دارد. در کشور فرانسه ۹۵ درصد زنان برای ترفیع اقتصادی و ۶۶ درصد جهت امکان پذیر ساختن ادامه تحصیل فرزندان خود کار می کنند و علاقه به نقش کار، تنها انگیزه ۴۰ درصد آنها در امر اشتغال است. شاید بتوان گفت که اشتغال مظهر نوعی رمانتیسیم برای زنان است، که گریز از خانه را برای آن ها تسریع می کند. امروزه با پیدایش تکنولوژی جدید مورد استفاده آشپز خانه و از منسوخ شدن آشپزی سنتی زنان به کار بیرون از خانه گرایش بیشتری نشان می دهند. به نظر بلاد آلتون: «یکی از انگیزه های زنان شوهردار برای قبول شغل - که از همه شایع تر است - میل شخصی زنان به گریختن از محیط به اصطلاح خسته کننده و کسالت آور خانه است. زن جوانی که در طی روز از بچه های خرد سالش نگهداری می کند، وقتی خستگی به او روی می آورد به وضع به اصطلاح مطلوب شوهر و یا خواهر مجرد خود رشک می برد و فکر می کند که آن ها چقدر خوشبختند که حرفه ای در خارج از خانه دارند. آنها از فراغتی که هر روز، هنگام رفت و آمد به محل کار دارند، لذت می برند. برای مادری که از کثرت کار خسته شده، مشکل نیست وضع دیگران مخصوصاً آنهایی را که به کار فکری اشتغال دارند، به صورت رمانتیک و افسانه گونه در نظر خود مجسم سازد. او نزد خود می پندارد که تنها راه رهایی از این وضع، قبول شغل در خارج از خانه است و فکر می کند چون درآمد او تهیه وسایل مراقبت از کودکان را میسر می سازد، از این حیث زبانی متوجه او نخواهد شد. در نتیجه عامل اصلی گرایش زنان به اشتغال، فقط بهبود وضع اقتصادی خانواده و پاسخ به نیازهای روز افزون آن نیست (شیخی، محمد تقی، ۱۳۶۹: ۱۲۸). به طور کلی انگیزه های شغلی زنان از ابعاد زیر قابل مطالعه است (فرخی، ۱۳۷۶: ۷۸ و ۷۹):

- | | |
|---|--|
| ۱ - انگیزه مادی و تشکیل سرمایه | ۲ - انگیزه اجتماعی: |
| الف - انگیزه مادی برای امرار معاش | الف - انگیزه اجتماعی برای کسب مقام و موقعیت اجتماعی |
| ب - انگیزه مادی برای کسب ثروت | ب - انگیزه اجتماعی برای جلب احترام اجتماعی |
| ج - انگیزه مادی برای تقویت بنیه ی مالی | ج - انگیزه ی اجتماعی برای مطرح شدن به عنوان الگو و سرمشق دیگران در جامعه |
| ۳ - انگیزه خدماتی: | ۴ - انگیزه خانوادگی: |
| الف - انگیزه خدماتی برای ایجاد اشتغال - انگیزه خدماتی | الف - انگیزه خانوادگی برای رفاه آتی خانواده |
| برای کمک به اقتصاد جامعه | ب - انگیزه خانوادگی برای خوشنودی والدین |
| | ج - انگیزه خانوادگی برای جلب رضایت همسر |
| | ۵ - انگیزه شخصی: |
| | الف - انگیزه شخصی برای استقلال فردی |
| | ب - انگیزه شخصی برای دستیابی به اهداف مورد نظر از طریق فعالیت های تجاری |
| | ج - انگیزه شخصی برای افزایش صلاحیت و توانایی های شخصی به بالاترین میزان |

لذا می توان گفت حضور زنان در بازار کار بر حسب شرایط محیطی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی هر کشور، بستگی به عوامل گوناگونی دارد که به طور خلاصه اهم این عوامل را می توان به شرح زیر برشمرد:

۱ - توسعه اقتصادی: تحقیقات تجربی نشان می دهد که رابطه میان نرخ مشارکت نیروی کار زنان با توسعه اقتصادی به شکل U است (تابع درجه دوم). بدین صورت که در سطوح پایین درآمدی و توسعه ای که کشاورزی فعالیت اصلی اقتصادی محسوب می شود، مشارکت زنان در فعالیت های کشاورزی عموماً برای خانوار و بدون در یافت حقوق و دستمزد است و تولید بیشتر جنبه ی خودمصرفی دارد. اما در طول فرایند توسعه اقتصادی پیامد های زیر حاصل می شود که بر مشارکت زنان در بازار کار تأثیر گذار است.

- در بخش کشاورزی تولید برای خود مصرفی کاهش یافته و در عوض، تولید برای بازار رواج پیدا کرده و برای توسعه بازار نیز فناوری های جدید و روش های نوین ابداع شده که نهایتاً به افزایش درآمد های کشاورزی انجامیده است. با افزایش درآمد، مشارکت زنان در بازار کار کاهش یافته و دسترسی زنان به فرصت های شغلی محدود شده است، زیرا افرادی که از بخش کشاورزی خارج می شوند برای یافتن شغل به رقابت می پردازند و عموماً در این رقابت مردان بر زنان پیشی می گیرند و زنان از دستیابی به شغل محروم می مانند.

- در بخش غیرکشاورزی نیز به دو دلیل عمده، مشارکت زنان در اشتغال در فرایند اولیه توسعه کم رنگ است:

الف) به علت سطح سواد پایین، مهارت کم و تخصص ناکافی در کار. هم چنین از آنجا که بهره وری زنان کمتر از مردان است، کارفرمایان ترجیح می دهند اکثراً مردان را استخدام کنند.

ب) دوگانگی نقش زنان در عرصه کار و خانواده که بخصوص از یک طرف در بخش صنعت و خدمات زنان را مجبور می کند برای مدت طولانی از محیط خانه دور بمانند و از طرف دیگر مسئولیت های خانه مانند نگهداری بچه، آشپزی و سایر امور خانه داری، آنها را ناگزیر از حضور بیشتر در خانه می کند. این دوگانگی مانع حضور این گروه در بازار کار می شود. اما این موانع و مشکلات در زمینه عدم مشارکت زنان در بازار کار همزمان با افزایش سطح درآمد و توسعه کشور کم رنگ تر شده و در نتیجه نرخ مشارکت زنان در بازار کار افزایش یافته است. بنابر این می توان گفت که در مراحل اولیه توسعه، نرخ مشارکت زنان در بازار کاهش یافته تا به حداقل رسیده و سپس با افزایش درجه توسعه یافتگی، سهم زنان در بازار کار افزایش یافته است. تحقیقات گلدین در ایالت متحده آمریکا، تانسل در ترکیه و مامن و همکارانش در تایلند، هند و فیلیپین رابطه U شکل را برای مشارکت زنان در بازار کار تأیید کرده اند.

۲ - اندازه دولت: اندازه دولت که با هزینه های مختلف و اعمال مقررات گوناگون جلوگیری از تبعیض به کارگیری زنان در بازار کار همراه است، می تواند بر اشتغال زنان تأثیر گذار باشد.

۳ - توزیع درآمد و هزینه خانوار: هر چه توزیع درآمد در کشوری بدتر باشد، زنان مجبورند برای تأمین هزینه خانوار اقدام به فعالیت اقتصادی کنند و از این رو میزان اشتغالشان افزایش می یابد (پاسبان، ۱۳۸۵: ۱۵۵ و ۱۵۶ و ۱۵۷).

می توان گفت که وضعیت مالی خانوار بر اشتغال زنان در بازار کار مؤثر است. یعنی هرچه خانواده فقیر تر باشد، زنان بیشتر کار کرده، در اقتصاد و رفاه خانوار سهم بیشتری ایفا می کنند، البته این سهم در آمار های رسمی، که بازده اقتصادی و کشاورزی را اندازه گیری می کنند، منظور نمی شود (نامدار، ۱۳۸۹: ۱۰۷).

۴ - **نرخ بیکاری:** هر چه نرخ بیکاری در کشوری افزایش یابد، به دلیل کاهش فرصت های شغلی برای زنان، انگیزه ی جستجوی شغل در میان زنان کم تر می شود و بنابراین سهم زنان در اشتغال کاهش می یابد. تانسل نشان داد که نرخ بیکاری در مشارکت زنان در بازار کار ترکیه تأثیر منفی دارد (پاسبان، ۱۳۸۵ : ۱۵۷).

۵ - **سیاست های دولت:** سیاست های مختلف دولت در زمینه پولی، مالی، ارزی و تجاری به طور مستقیم و غیر مستقیم در سهم زنان از اشتغال تأثیر می گذارد. اثر هر سیاست ممکن است مثبت و یا منفی باشد. همچنین دل بوکا و همکارانش در مقاله خود نشان دادند که سیاست های مختلف مالیاتی و سیاست های عمومی دولت بر مشارکت زنان در بازار کار تأثیر می گذارد.

۶ - **تعداد فرزندان و نرخ باروری:** افزایش تعداد فرزندان و نرخ باروری سبب افزایش مسئولیت های زنان می شود و در نتیجه، رابطه منفی با سهم زنان از اشتغال دارد. سلطانی و همکاران در بررسی خود دریافتند که سن زنان، تحصیلات و تعداد افراد تحت تکفل اثر معنی داری بر مشارکت زنان در بازار کار ندارد و نرخ دستمزد زنان و مردان اثر معنی دار و مثبت بر این مقوله دارد. آلی و همکارانش به بررسی عوامل اقتصادی و اجتماعی مؤثر بر مشارکت زنان در بازار کار کویت پرداختند. نتایج این تحقیق نشان می دهد که نرخ دستمزد زنان و تحصیلات اثر مثبت و وضعیت تأهل، تعداد بچه و سن زنان اثر منفی بر نرخ مشارکت زنان دارد.

۷ - **شرایط محیطی خانواده و عوامل فرهنگی و اجتماعی:** طبق نظریه تخصیص زمان، مشارکت و یا عدم مشارکت زنان در بیرون از خانه، بستگی به تابع مطلوبیت مشترک خانوادگی دارد و از این رو تصمیمات خانواده بر سهم اشتغال بیرون از خانه زنان نیز تأثیر می گذارد. علاوه بر این، عوامل فرهنگی و اجتماعی و آداب و سنن هر کشوری در نرخ مشارکت زنان در بازار کار تأثیر دارد. همچنین عوامل بسیاری باعث افزایش فقر و کاهش برابری جنسیتی می شوند. نکته ی اساسی که در غالب بررسی ها مورد تأکید قرار می گیرد این است که زنان به خاطر زن بودن بیشتر در معرض فقر قرار دارند (مختاریان، ۱۳۸۰ : ۴۲).

۸ - **وضعیت تأهل:** به طور کلی ازدواج زنان و قبول مسئولیت خانواده باعث می شود که نرخ مشارکت آنان در بازار کار کاهش یافته و در مقابل، افراد مجرد و یا مطلقه، به دلیل داشتن فرصت کافی برای کار بیرون از خانه و نیاز مالی به تأمین هزینه های زندگی خود، نرخ مشارکت بالا تری در بازار کار داشته باشند.

۹ - **علم و دانش:** هرچه میزان علم و دانش زنان افزایش یابد امکان دستیابی آن به مشاغل بخش صنعتی و خدماتی افزایش می یابد و بنابراین رابطه مثبتی میان علم و دانش و نرخ مشارکت زنان در بازار کار وجود دارد (پاسبان، ۱۳۸۵ : ۱۵۷ و ۱۵۸). هرچه میزان علم و دانش زنان افزایش یابد، امکان دستیابی آن ها به مشاغل بخش صنعتی و خدماتی نیز افزایش می یابد و از این رو، علم و دانش زنان با نرخ مشارکت آن ها در بازار کار رابطه ای مثبت دارد (نامدار، ۱۳۸۹ : ۱۰۷). البته باید توجه داشت که این عامل همانند پیکان دولبه ای عمل می کند که علاوه بر ارتقاء کارایی و توان شغل یابی زنان به لحاظ نبود زمینه های اشتغال مناسب و کافی، با سطح توقعات ایجاد شده جهت کسب شغل در مکان های خارج از روستا بر درجه بیکاری آنان می افزاید (دادور خانی، ۱۳۸۵ : ۱۸۰).

۱۰ - **نقش دسترسی ها و انزوای روستاها بر اشتغال زنان:** شرایط جغرافیایی حاکم بر محل، کیفیت دسترسی ها، دوری و نزدیکی به مراکز توسعه و خدمات و تسهیلاتی که خانوار ها از آن بهره مند می باشند بر شرایط زیست زنان از جمله بر شرایط کاری، سلامتی و رفاه آنان تأثیر گذار می باشد. به طوری که مطالعات نشان داده است که نواحی با مزارع کوچک زیاد معمولاً نسبت کارگران کشاورزی زن بیشتری دارد (دادور خانی، ۱۳۸۵ : ۱۸۱).

۱۱- تکنولوژی زراعی و نابرابری های جنسیتی: عده ای در مورد تأثیر تکنولوژی بر مشارکت زنان عقیده دارند که ورود ابزار و ماشین آلات کشاورزی در عرصه تولید کشاورزی جهت افزایش بازدهی محصولات بر روی فعالیت های تولیدی زنان روستایی نقش معکوس داشته است، یعنی هر جا ابزار و وسایل ماشینی جای وسایل سنتی تولید را گرفت زنان روستایی نقش تولیدی خود را از دست دادند و یکی از دلایل این امر را ساخت ابزارها و ماشین آلات متناسب با شرایط فیزیکی و جسمانی مردان دانسته اند و از دلایل دیگر آن، ویژگی ها و ارزش های فرهنگی و سنت های حاکم بر جامعه روستایی نام برده اند (دادور خانی، ۱۳۸۵: ۱۸۲).

از آنجائیکه عوامل متعددی از دیدگاه صاحب نظران در اشتغالزایی زنان روستایی موثر می باشد، اما بطور کلی می توان این عوامل را در سه گروه عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تقسیم کرد (جدول ۲).

جدول ۲- شاخص های موثر بر اشتغالزایی زنان روستایی

ابعاد	شاخص ها
اقتصادی	وضعیت مالی خانوار، دسترسی به اعتبارات، سطح دستمزد، وضعیت شغلی زنان، میزان اشتغال در بخش (کشاورزی، صنعت، خدمات) تنوع فرصت های شغلی، هزینه ی نیروی کار زنان.
اجتماعی	رضایت همسر و خانواده، سن زنان، تعداد فرزندان، بعد خانوار، طبقه اجتماعی، سطح سواد، وضعیت تأهل، روابط و تعاملات اجتماعی، فرصت های شغلی متناسب با زنان، مهارت و تخصص کافی، حجم زیاد کار، امنیت شغلی.
فرهنگی	نگرش جامعه به وظایف زنان، وجود سنت ها و باورهای خاص در خانواده، وجود فرهنگ مرد سالاری، طرز نگرش جامعه به وظایف زنان، نامناسب بودن محیط کاری به لحاظ مسائل اخلاقی، جایگاه زنان در خانواده.

۴- روش تحقیق و منطقه مورد مطالعه

روش تحقیق در مطالعه مورد نظر، توصیفی- تحلیلی است که مبانی نظری آن با بکارگیری فنون مطالعه ای کتابخانه ای- اسنادی در ارتباط با موضوع و همچنین بخش تحلیلی آن با توجه به روش مصاحبه ای و پرسشنامه ای منطقه مورد مطالعه صورت گرفته است. در تحلیل داده ها از روش های آماری و تصمیم گیری چندمعیاره استفاده شده است. بطوریکه برای مقایسه میانگین ها از روش آماری آزمون t برای وزن دهی، از روش وزن دهی "آنتروپی شانون" و برای اولویت بندی شاخص های از مدل (SAW) استفاده شده است. در این تحقیق ۵ روستا در دهستان گلکمان شهرستان چناران به صورت کاملا تصادفی به عنوان نمونه انتخاب و زنان روستایی مورد پرسشگری قرار گرفته اند، به طور کلی تعداد ۵۰ پرسشنامه در روستاهای نمونه تعیین و در مطالعات میدانی مورد پرسشگری و تکمیل شد، برای هر روستای نمونه تعداد ۱۰ پرسشنامه بر اساس اصل برابری تعیین شده است.

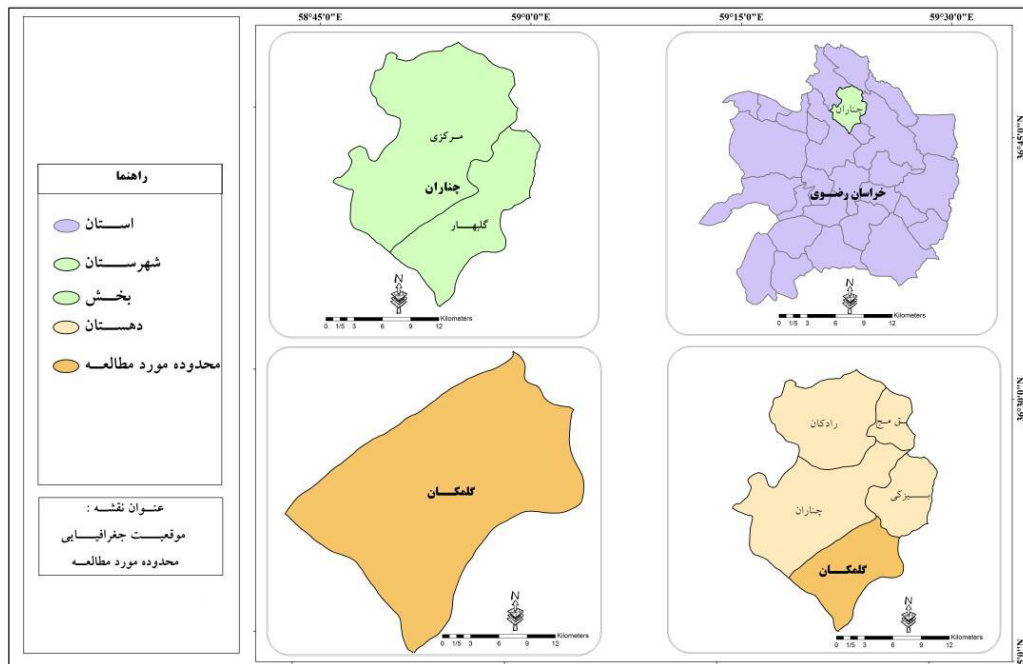
دهستان گلکمان از نظر جدیدترین تقسیمات سیاسی و اداری، یکی از توابع شهرستان چناران، استان خراسان رضوی به شمار می آید (شکل ۱). این دهستان در موقعیت جغرافیایی عرض جغرافیایی ۳۶ و ۳۷ تا ۳۶ و ۳۷ و طول جغرافیایی ۵۲ و ۵۳ تا ۵۹ و ۱۴ و ارتفاع متوسط ۱۲۵۰ متر از سطح دریا قرار گرفته است و براساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ تعداد خانوار ۵۹۶۰ و دارای جمعیت روستایی ۲۲۸۱۶ نفر می باشد (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰). دهستان گلکمان دارای ساختاری نسبتاً سنتی و اقتصاد آن مبتنی بر دامداری و کشاورزی و باغداری است. زنان نیز مانند سایر نواحی روستایی در این منطقه علاوه بر انجام امور خانواده به فعالیتهای کشاورزی و دامداری و باغداری نیز می پردازند و انجام این فعالیتها را در راستای

اولین همایش ملی زن و توسعه پایدار روستایی

امور خانه داری خود می دانند و از این فعالیتها به عنوان نقش مجزا در امر اقتصادی خانوار نام نمی برند. در این پژوهش تلاش می شود به بررسی عوامل مؤثر بر اشتغال زنان در اقتصاد روستایی در سطح دهستان گلکمان پرداخته شود (جدول ۳).

جدول ۳- جمعیت روستا

نام روستا	احمدآباد	کاهو	هاشم آباد	خیرآباد	گاوطنرا
تعداد خانوار	۱۶۱	۱۸۷	۵۸	۴۹	۱۲۷



شکل ۱: موقعیت جغرافیایی محدوده مورد مطالعه

۵- یافته های تحقیق

استخراج شاخص ها و عوامل موثر در اشتغالزایی زنان روستایی در منطقه روستایی دهستان گلکمان، در چارچوب نظری انجام پذیرفت. در این قسمت بر اساس داده های جمع آوری شده اقدام به تحلیل شاخص های موثر در اشتغالزایی در هر یک از ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شده است.

همانطور که در جدول ۴ مشاهده می شود، نتایج کلیه شاخص ها در بعد اقتصادی به جز شاخص سطح دستمزد حاکی از این مطلب است که همه شاخص های بعد اقتصادی در توسعه شغلی زنان در دهستان گلکمان نقش موثری دارد. اما شاخص سطح دستمزد با سطح معناداری ۰.۰۵۷ بدین معنی است که این شاخص در توسعه شغلی زنان در دهستان گلکمان نقش موثری ندارد. همچنین به طور کل از نظر بعد اقتصادی نتایج حاکی از این است که این بعد با سطح معناداری ۰.۰۰۰ در توسعه شغلی زنان در دهستان گلکمان نقش موثری دارد.

جدول ۴- آزمون T شاخص اقتصادی

شاخص	T	درجه آزادی	سطح معناداری
وضعیت مالی	-۸.۳۶۰	۴	۰.۰۰۱

اولین همایش ملی زن و توسعه پایدار روستایی

۰.۰۰۰۰	۴	-۵۶.۶۴۹	دسترسی به اعتبارات
۰.۰۰۵۷	۴	۲.۶۴۹	سطح دستمزد
۰.۰۰۰۳	۴	-۶.۳۲۵	وضعیت شغلی زنان
۰.۰۰۰۰	۴	-۱۶.۹۱۵	میزان اشتغال در بخش
۰.۰۰۰۰	۴	-۱۰.۶۷۳	تنوع فرصت های شغلی
۰.۰۰۰۰	۴	-۱۱.۳۶۸	هزینه نیروی کار زنان
۰.۰۰۰۰	۴	۱۳۵.۶۶۳	کل / بعد اقتصادی

همچنین همانطور که در جدول ۵ مشاهده می شود، نتایج کلیه شاخص ها در بعد اجتماعی با سطح معناداری (۰.۰۰۰۰) حاکی از این مطلب است که همه شاخصهای بعد اجتماعی در توسعه شغلی زنان در دهستان گلکمان نقش موثری دارد. همچنین به طور کل از نظر بعد اجتماعی نتایج حاکی از این است که این بعد با سطح معناداری ۰.۰۰۰۰ در توسعه شغلی زنان در دهستان گلکمان نقش موثری دارد.

جدول ۵: آزمون T شاخص اجتماعی

سطح معناداری	درجه آزادی	T	شاخص
۰.۰۰۰۰	۴	-۳۴.۰۳۶	رضایت همسر و خانواده
۰.۰۰۰۰	۴	-۱۹.۷۵۱	سن زنان
۰.۰۰۰۰	۴	-۲۲.۷۴۹	تعداد فرزندان
۰.۰۰۰۰	۴	-۲۱.۷۲۹	بعد خانوار
۰.۰۰۰۰	۴	-۲۱.۳۸۸	طبقه اجتماعی
۰.۰۰۰۰	۴	-۲۶.۴۸۶	سطح سواد
۰.۰۰۰۰	۴	-۳۴.۳۵۱	وضعیت تأهل
۰.۰۰۰۰	۴	-۳۹.۲۱۹	روابط و تعاملات اجتماعی
۰.۰۰۰۰	۴	-۳۸.۵۶۱	فرصت های شغلی متناسب با زنان
۰.۰۰۰۰	۴	-۲۹.۵۳۷	مهارت و تخصص کافی
۰.۰۰۰۰	۴	-۳۶.۷۱۲	حجم زیاد کار
۰.۰۰۰۰	۴	-۳۷.۳۲۵	امنیت شغلی
۰.۰۰۰۰	۴	۷۶.۹۹۵	کل / بعد اجتماعی

همانطور که در جدول ۶ مشاهده می شود، نتایج کلیه شاخص ها در بعد فرهنگی با سطح معناداری (۰.۰۰۰۰) حاکی از این مطلب است که همه شاخص های فرهنگی در توسعه شغلی زنان در دهستان گلکمان نقش موثری دارد. همچنین به طور کل از نظر بعد فرهنگی نتایج حاکی از این است که این بعد با سطح معناداری ۰.۰۰۰۰ در توسعه شغلی زنان در دهستان گلکمان نقش موثری دارد.

جدول ۶: آزمون T شاخص فرهنگی

سطح معناداری	درجه آزادی	T	شاخص
۰.۰۰۰۰	۴	۱۸.۷۶۰	نگرش جامعه به وظایف زنان

اولین همایش ملی زن و توسعه پایدار روستایی

وجود سنت ها و باورهای خاص در خانواده	۱۴.۴۰۱	۴	۰.۰۰۰۰
وجود سنت ها و باورهای خاص در خانواده	۱۳.۶۹۶	۴	۰.۰۰۰۰
طرز نگرش جامعه به وظایف زنان	۱۰.۳۶۹	۴	۰.۰۰۰۰
نامناسب بودن محیط کاری به لحاظ مسائل اخلاقی	۱۵.۰۲۴	۴	۰.۰۰۰۰
جایگاه زنان در خانواده	۱۲.۳۸۰	۴	۰.۰۰۰۰
کل / بعد فرهنگی	۷۶.۹۹۵	۴	۰.۰۰۰۰

در ادامه برای مشخص کردن وزن هر یک از عوامل موثر در اشتغالزایی زنان روستایی دهستان گلکمان و همچنین اولویت بندی روستاها به لحاظ سطح اشتغال زایی، اقدام به استفاده از SAW گردید.

مرحله اول: تشکیل ماتریس اولیه: برای بدست آوردن داده های خام که همان ماتریس اولیه در مدل (SAW) را تشکیل می دهند، در مرحله اول مبادرت به تهیه و تدوین پرسشنامه از طریق چارچوب نظری اقدام و برای تکمیل پرسشنامه به منطقه مورد مطالعه رجوع و اطلاعات پرسشنامه از طریق مطالعه میدانی جمع آوری گردید.

مرحله دوم: بی مقیاس سازی (نرمالیز کردن شاخص ها): در این مرحله، به منظور استفاده از شاخص های تحقیق در فرایندهای مقایسه اولی، کمک گیری از آنها در حل مسأله و همچنین میانگین های بدست آمده را با دقت بیشتر مورد مطالعه قرار دهیم، ماتریس خام با استفاده روش بهنجار سازی "معمولی" بهنجار گردید (جدول ۷).

جدول ۷ - ماتریس نرمالیز شده بعد اقتصادی

نام روستا	وضعیت مالی خانوار	دسترسی به اعتبارات	سطح دستمزد	وضعیت شغلی زنان	میزان اشتغال در بخش (کشاورزی، صنعت، خدمات)	تنوع فرصت های شغلی	هزینه نیروی کار زنان
احمد آباد	0.183	0.201	0.207	0.200	0.206	0.196	0.195
کاهو	0.205	0.197	0.204	0.200	0.201	0.203	0.207
هاشم آباد	0.199	0.200	0.200	0.189	0.203	0.204	0.204
خیر آباد	0.206	0.204	0.199	0.211	0.200	0.204	0.200
گاو طرنا	0.207	0.198	0.190	0.200	0.190	0.193	0.194

ادامه جدول ۷ - ماتریس نرمالیز شده بعد اجتماعی

نام روستا	رضایت همسر و خانواده	سن زنان	تعداد فرزندان	بعد خانوار	طبقه اجتماعی	سطح سواد	وضعیت تأهل	روابط و تعاملات اجتماعی	فرصت های شغلی متناسب با زنان	مهارت و تخصص کافی	حجم زیاد کار	امنیت شغلی
احمد آباد	0.201	0.164	0.196	0.217	0.205	0.194	0.184	0.197	0.208	0.19	0.186	0.201
کاهو	0.205	0.204	0.217	0.190	0.214	0.211	0.204	0.211	0.205	0.20	0.206	0.206
هاشم آباد	0.200	0.207	0.196	0.185	0.202	0.203	0.203	0.201	0.199	0.20	0.207	0.202
خیر آباد	0.201	0.214	0.207	0.207	0.192	0.199	0.209	0.198	0.198	0.20	0.201	0.198
گاو طرنا	0.192	0.211	0.185	0.201	0.186	0.192	0.200	0.193	0.191	0.20	0.200	0.193

ادامه جدول ۷ - ماتریس نرمالیز شده بعد فرهنگی

اولین همایش ملی زن و توسعه پایدار روستایی

نام روستا	نگرش جامعه به وظایف زنان	وجود سنت ها و باورهای خاص در خانواده	وجود فرهنگ مرد سالاری	تبعیض و طرز نگرش جامعه به زنان	نامناسب بودن محیط کاری به لحاظ مسائل اخلاقی	جایگاه زنان در خانواده
احمد آباد	0.196	0.202	0.201	0.195	0.211	0.192
کاهو	0.204	0.211	0.211	0.205	0.206	0.209
هاشم آباد	0.204	0.197	0.199	0.197	0.197	0.201
خیر آباد	0.202	0.198	0.199	0.204	0.198	0.201
گاو طرنا	0.194	0.192	0.189	0.200	0.188	0.196

مرحله سوم: وزن دهی به شاخص ها (با استفاده از روش وزن دهی آنتروپی شانون): منظور از وزن دهی شاخص ها تعیین و مشخص کردن ضریب اهمیت آن ها می باشد. ۱ - در این روش ماتریس اولیه را با استفاده از روش بهنجار سازی "معمولی" استاندارد می شود. ۲ - به ازای هر ستون از فرمول مربوط به این روش استفاده می شود و سپس میزان درجه ی انحراف یا عدم اطمینان شاخص را بدست می آورده و سپس وزن هر یک از شاخص ها را محاسبه می گردد که در نهایت مجموع وزن آنها باید "یک" باشد. که در مطالعه حاضر این نتیجه حاصل شد. در واقع هدف این است که مشخص کنیم کدام یک از روستا ها از نظر فراهم کردن بستر اشتغال زنان در اولویت قرار دارند و کدام عوامل بیشترین و مهم ترین تأثیر را بر توسعه ی شغلی زنان در روستاهای مورد مطالعه دارند. بر اساس یافته های پژوهش، عوامل اقتصادی "وضعیت مالی خانوار" و "دسترسی به اعتبارات" با ۰.۱۵ درصد بیشترین اهمیت، و عامل اجتماعی "مهارت و تخصص کافی" کمترین تأثیر را بر توسعه شغلی زنان در روستا های مورد مطالعه داشته اند (جدول ۸).

جدول ۸: وزن شاخص ها

شاخص ها	وزن ها	شاخص ها	وزن ها
وضعیت مالی خانوار	0.00153	نگرش جامعه به وظایف زنان	0.00022
دسترسی به اعتبارات	0.00153	طبقه اجتماعی	0.00021
تعداد فرزندان	0.00070	وضعیت شغلی زنان	0.00013
بعد خانوار	0.00052	وجود فرهنگ مرد سالاری	0.00009
فرصت های شغلی متناسب با زنان	0.00047	تبعیض و طرز نگرش جامعه به زنان	0.00009
وضعیت تأهل	0.00038	سطح دستمزد	0.00009
نامناسب بودن محیط کاری به لحاظ مسائل اخلاقی	0.00034	سطح سواد	0.00009
حجم زیاد کار	0.00033	تنوع فرصت های شغلی	0.00003
وجود سنت ها و باورهای خاص در خانواده	0.00028	رضایت همسر و خانواده	0.00001
روابط و تعاملات اجتماعی	0.00027	جایگاه زنان در خانواده	0.00005
میزان اشتغال در بخش (کشاورزی، صنعت، خدمات)	0.00025	سن زنان	0.00002
هزینه نیروی کار زنان	0.00024	مهارت و تخصص کافی	0.00000
امنیت شغلی	0.00022		

مرحله چهارم: رتبه دهی به روستاها: در این مرحله برای رتبه بندی روستا ها از مدل مجموع وزین ساده (SAW) استفاده شده است. مدل SAW، مدل تصمیم گیری مناسبی برای رتبه بندی است و از کاربرد و دقت بسیار بالایی برخوردار می باشد. این مدل یکی از ساده ترین روش های تصمیم گیری چند شاخصه می باشد. این مدل به اولویت بندی برای مشخص کردن

اولین همایش ملی زن و توسعه پایدار روستایی

ارجح ترین ها می پردازد. با محاسبه ی وزن شاخص ها، می توان به راحتی از این روش استفاده کرد. در این روش گزینه ای انتخاب می شود که حاصل جمع مقادیر بی مقیاس شده وزنی آن، از بقیه گزینه ها بیشتر باشد. با توجه به نتایج به دست آمده، در مطالعه حاضر روستای (احمدآباد، خیر آباد، کاهو، گاوطنرا، هاشم آباد) به ترتیب رتبه ی ۱ تا ۵ را بدست آوردند (جدول ۹).

جدول ۹ - رتبه بندی روستاها

رتبه	جمع	نام روستا
۱	6.305	احمدآباد
۳	0.0203	کاهو
۵	0.0197	هاشم آباد
۲	0.0206	خیرآباد
۴	0.0200	گاوطنرا

۵- نتیجه گیری

امروزه نقش زنان روستایی، به عنوان اهرم های مهم و نیروهای پیش برنده ی اساسی روستایی، بسیار حائز اهمیت است. زیرا زنان روستایی به عنوان یکی از عناصر مهم در اقتصاد روستایی محسوب می شوند و سهمی قابل ملاحظه از نیروی کار و درآمد خانوار را، به صورت مستقیم و غیر مستقیم، به خود اختصاص داده اند. ولی متأسفانه اعداد و ارقام آماری که در رابطه با میزان فعالیت های زنان ارائه می شود، بسیار پایین تر از حد واقعی است چرا که فعالیت های خانه داری و کارهای بدون دستمزد آنان منظور نمی شود. زنان روستایی نقش های مختلف و متعددی بر عهده دارند: همسر، مادر، تولید کننده ی محصولات زراعی، شریک در فعالیت های دامداری، دخیل در امر کاشت، داشت، برداشت، فراوری، بازاریابی و تهیه خوراک و غذا. از سوی دیگر زنان در مناطق روستایی از فرصت های اشتغالزایی مناسبی برخوردار نیستند. به این ترتیب، این مطالعه در سطح سکونتگاههای روستایی دهستان گلمکان به منظور تعیین عوامل موثر اشتغالزایی زنان روستایی انجام گرفت. یافته های پژوهش در مرحله سوم وزن دهی شاخص ها (با استفاده از روش وزن دهی آنروپی شانون)، به تعیین درجه و ضریب اهمیت هریک از شاخص های تحقیق پرداخته شد، نشان می دهد که ضریب شاخص های اقتصادی "وضعیت مالی خانوار" و "دسترسی به اعتبارات" با ۰.۱۵۲ درصد و ضریب شاخص اجتماعی "تعداد فرزندان" با ۰.۰۶۹ درصد، بیشترین تأثیر، و شاخص اجتماعی "مهارت و تخصص کافی" کمترین تأثیر را بر توسعه ی شغلی زنان روستایی دهستان داشته اند. و شاخص های (بعد خانوار، فرصت های شغلی متناسب با زنان، وضعیت تأهل، نامناسب بودن محیط کاری به لحاظ مسائل اخلاقی، حجم زیاد کار، وجود سنت ها و باور های خاص در خانواده، روابط و تعاملات اجتماعی، میزان اشتغال در بخش (کشاورزی، صنعت، خدمات)، هزینه ی نیروی کار زنان، امنیت شغلی، نگرش جامعه به وظایف زنان، طبقه اجتماعی، وضعیت شغلی زنان، وجود فرهنگ مرد سالاری، تبعیض و طرز نگرش جامعه به وظایف زنان، سطح دستمزد، سطح سواد، تنوع فرصت های شغلی، رضایت همسر و خانواده، جایگاه زنان در خانواده، سن زنان، مهارت و تخصص کافی) به ترتیب در رتبه های بعدی قرار دارند. با توجه به موارد فوق الذکر، راهکارهای زیر پیشنهاد می گردد:

- اعطای وام و کمک های مالی جهت سرمایه گذاری برای اشتغال زنان.
- حمایت کمیته امداد امام از زنان روستایی بخصوص زنان بی سرپرست جهت افزایش کارآفرینی آنها.
- برگزاری کلاس های آموزشی و ترویجی برای اشتغال زنان.
- رفع تبعیض جنسیتی در بازار کار از طریق رسانه های جمعی و ارتباطات.

- توانمند سازی زنان روستایی.

- تشکیل کانون هماهنگی کار آفرینی زنان.

- افزایش خلاقیت، کارایی و استقلال زنان.

مراجع

- ابونوری، اسمعیل؛ غلامی، نجمه (۱۳۸۸). بررسی روند اشتغال زنان در مقایسه با مردان، و عوامل مؤثر بر سهم اشتغال زنان در بخش صنعت ایران. مطالعات اجتماعی روان شناختی زنان، ۷(۱): صص ۳۱ - ۵۴.
- اویسی، زهرا (۱۳۸۹). نقش اشتغال زنان در توسعه روستایی (نمونه موردی: دهستان کارده شهرستان مشهد، پایان نامه کارشناسی ارشد.
- آگهی، حسین؛ میرک زاده، علی اصغر؛ تقی بیگی، معصومه (۱۳۹۱). اولویت بندی عوامل مؤثر بر توسعه مشاغل خانگی زنان روستایی. فصلنامه زن و جامعه، ۳(۳): صص ۱۸۱ - ۲۰۲.
- بامداد، شیدا (۱۳۷۶). بررسی عوامل مؤثر بر میزان های اشتغال زنان در ۲۵۲ شهرستان کشور - سال ۱۳۷۵. تهران: سازمان برنامه و بودجه، مجموعه مباحث و مقالات همایش تدوین برنامه سوم توسعه کشور، جلد سوم: مجموعه مقالات مربوط به مباحث: الف. توزیع درآمد و رشد اقتصادی، ب. ساختار جمعیتی و توسعه، ج. توسعه اجتماعی و سیاسی در فرایند توسعه.
- پاسیان، فاطمه (۱۳۸۵). عوامل اقتصادی و اجتماعی مؤثر بر اشتغال زنان روستایی ایران (۱۳۴۷ تا ۱۳۸۳). اقتصاد کشاورزی و توسعه، ۱۴(۵۳): صص ۱۵۳ - ۱۷۶.
- تولایی، ن (۱۳۷۹). بررسی عوامل مؤثر بر میزان مشارکت اجتماعی زنان. مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری، بهکوشش مصطفی پودراتچی، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی: صص ۷-۲۲.
- جواهری، فاطمه؛ سراج زاده، سیدحسین؛ رحمانی، ریتا (۱۳۸۹). تحلیل اثرات اشتغال زنان بر کیفیت زندگی آنان (مطالعه موردی: زنان شاغل در وزارت جهاد کشاورزی). زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، ۸(۲): صص ۱۴۳ - ۱۶۲.
- خواجه نوری، بیژن (۱۳۸۴). بررسی عوامل مؤثر بر میزان اشتغال زنان جوانمطالعه موردی: استان های جنوب ایران (فارس، بوشهر، کهگیلویه و بویر احمد، هرمزگان)، دومین همایش انجمن جمعیت شناسی ایران، بررسی مسائل جمعیتی ایران با تأکید بر جوانان، مجموعه مقالات، ۲۳ و ۲۴ اردیبهشت ۱۳۸۳، دانشگاه شیراز، انتشارات مرکز مطالعات و پژوهش های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه، صص ۴۳۹ - ۴۷۰.
- دادور خانی، فضیله (۱۳۸۵). توسعه روستایی و چالش های اشتغال زنان. پژوهش های جغرافیایی، ۵۵، صص ۱۷۱ - ۱۸۸.
- شادی طلب، ژاله؛ کمالی، افسانه (۱۳۸۱). مشارکت اجتماعی زنان. فصلنامه پژوهش زنان، ۴، صص ۲۶ - ۵۲.
- شیخی، محمد تقی (۱۳۶۹). جامعه شناسی جهان سوم، جمعیت، اقتصاد، سیاست، فرهنگ توسعه، صنعت و ... (کشورهای در حال رشد). تهران: اشراقی
- صدقیان، لیدا (۱۳۸۹). نقش تعاونی های روستایی زنان در اقتصاد خانوار روستایی. تعاون و روستا، ۲(۲): صص ۴۷ - ۵۸
- علوی راد، عباس (۱۳۹۱). اشتغال زنان در ایران و آینده ی اشتغال زنان دانش آموخته (۱۳۴۵ - ۱۳۸۵). سیاسی - اقتصادی، ۲۸۸، صص ۱۱۶ - ۱۲۵
- غفاری، مریم (۱۳۷۷). زنان اشتغال یا خانه داری کدامیک؟. تهران: روزنامه همشهری، ۶(۲۱).
- فرخی، طاهره (۱۳۷۶). نقش زنان در توسعه پایدار: تواناسازی زنان. اقتصاد تعاون، ۲، ۷۴، ۱۰۲.
- کاظمی پور، شهلا (۱۳۷۲). آموزش و فعالیت شغلی زنان در ایران، پیشرفت یا عقب نشینی. تهران: فرزانه.
- کاوند، حسین؛ عوضعلی پور، محمد صادق؛ زندی، فاطمه؛ دامن کشیده، مرجان (۱۳۹۰). نقش جنسیت در مشارکت اقتصادی و عوامل مؤثر بر اشتغال زنان در ایران. مجله سیاست گذاری اقتصادی، ۳(۶): صص ۱۸۹ - ۲۱۱.

اولین همایش ملی زن و توسعه پایدار روستایی

- کشاورز، ناهید (۱۳۷۶). حریم حساس اشتغال زنان. فرهنگ توسعه، ۶(۶): صص ۱ - ۴.
- کلانتری، خلیل؛ شعبانعلی فمی، حسین؛ سروش مهر، هما (۱۳۸۹). بررسی عوامل تسهیل کننده و بازدارنده توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی (مطالعه موردی شهرستان همدان). توسعه روستایی، ۲۱(۲): صص ۱۰۷ - ۱۲۴.
- مختاریان، حسین (۱۳۸۰). شیوه های افزایش مشارکت زنان در بازار کار. مجموعه مقالات دومین همایش توانمند سازی زنان، فصلنامه فرهنگی پژوهشی مرکز امور مشارکت زنان.
- مدرسی سریزدی، سیده جمیله؛ مدرسی سریزدی، سید محمد (۱۳۸۸). کارآفرینی. تهران: ترمه.
- مشیری، سید رحیم؛ مهدوی، مسعود؛ علیایی، محمد صادق (۱۳۸۸). بررسی نقش سواد و نیروی کار زنان در درآمد خانوار روستایی، مطالعه موردی: زنان روستایی دیواندره استان کردستان. جغرافیا و توسعه، ۱۴: صص ۶۹ - ۸۲.
- منصورآبادی، افسانه؛ کرمی، عزت اله (۱۳۸۵). پیامد های توسعه بر وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی زنان روستایی: مطالعه موردی استان فارس، مجله علوم اجتماعی و انسانی، ۲۴(۲): صص ۱۰۷ - ۱۲۸.
- نامدار، محبوبه (۱۳۸۹). عوامل مؤثر بر اشتغال زنان همراه با ورود فناوری های نوین به عرصه اقتصاد روستایی: مطالعه موردی کمباین داران استان فارس. فصلنامه روستا و توسعه، ۱۳(۲): صص ۱۰۳ - ۱۲۸.
- نوروزی، لادن (۱۳۸۳). تفاوت های جنسیتی در ساختار شغلی، پژوهش زنان، ۲(۱): صص ۱۶۵ - ۱۷۸.
- آذربایجانی، مسعود (۱۳۸۸). عدالت جنسیتی و اشتغال زنان. مطالعات راهبردی زنان ۴۶: صص ۸۱ - ۱۱۶.
- بختیاری، صادق؛ پاسبان، فاطمه (۱۳۸۳). نقش اعتبارات بانکی در توسعه فرصت های شغلی: مطالعه موردی بانک کشاورزی ایران، اقتصاد کشاورزی و توسعه، ۱۲(۴۶): صص ۷۳ - ۱۰۵.
- شادی طلب، ژاله؛ وهابی، م؛ رمزیار، ح (۱۳۸۴). فقر درآمدی فقط یک جنبه از فقر زنان سرپرست خانوار. فصلنامه رفاه اجتماعی سال چهارم: صص ۱۰۷ - ۱۲۵.
- هادیان، ابراهیم، حیدرپور، علی (۱۳۷۸). توسعه اقتصادی و سهم زنان در نیروی کار: مورد ایران ۱۳۷۵-۱۳۵۵. فصلنامه جمعیت، ۲۷.
- Ewer, Phyllis, A, Crimmins Eileen, Oliver Richard (1979) AN Analysis of Relationship Between Husband's Income, Family Size and Wife's Employment in the Early Stages of Marriage, Journal of Marriage and the Family, Vol 44, No 4.
- Lipped, T. Van & List Van Dijk (2002). "Comparative Research on Women's Employment." Annual Reviews, Vol. 28, pp. 221-241.
- Maung, I. M. (1995), "Female Labor participation in Myanmar." Sign, Vol. 28, No. 3, pp. 455-490.
- Carr, M., Director, WIEGO Global Markets Programme (2002). "Introductory paper for the Africa regional workshop on informal workers/producers in food and forest global commodity chains".